یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۹۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

یکی از اهداف رژیم صهیونیستی در ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس تسهیل استحاله در این دفتر است

افق هنیه

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

با ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، پس از موضوع خونخواهی هماهنگ محور مقاومت، انتخاب جایگزین او دومین موضوع مهم است. این مساله آزمونی مهم برای حماس است. این گروه در ابعاد چندگانه‌ای توسط ائتلاف غربی-صهیونیستی تحت فشار قرار گرفته است. تنها در غزه ۴۰ هزار نفر برای نابودی این گروه به خاک‌وخون کشیده شده‌اند. صهیونیست‌ها با ناکامی در اجرای طرح خود، به دنبال فروپاشی از راس در حماس هستند. آنها رهبران مهمی همچون صالح العاروری و هنیه را به شهادت رسانده‌اند تا حماس دچار تغییراتی در کادر رهبری شود. تل‌آویو از نابودی حماس بازمانده و درصدد مهندسی داخلی در این گروه است تا میان جناح‌های داخلی آن و همچنین حامیانش شکاف ایجاد کند. مهم‌ترین امید آنها روی کارآمدن برخی چهره‌های دست‌پرورده است تا بتوانند به وسیله آنها حماس و مقاومت غزه را با دستان فلسطینی‌ها خنثی کنند. دستانی که سوریه را برای رژیم صهیونیستی شخم زده‌اند، حالا مترصد چنگ زدن بر میراث هنیه‌اند. با این حال شکست، سرنوشت محتوم این تیر زهرآگین است. صهیونیست‌ها از آتشی که برافروخته‌اند مشعلی برای نگاه به آینده در دست نخواهند گرفت بلکه نوری دیگر در حماس ساطع خواهد شد.

فقدان رهبر کاریزماتیک

از منظر نمادین، شهادت اسماعیل هنیه سنگین‌ترین خسارتی است که رهبری حماس از زمان ترور بنیانگذار و رهبر معنوی آن، احمد یاسین در سال ۲۰۰۴ تجربه کرده است. هنیه اولین شخصیت ارشد حماس نیست که بارها مورد هدف قرار گرفته و سرانجام توسط اسرائیل به شهادت رسیده است. بنیانگذار و رهبر معنوی این جنبش، احمد یاسین، همچنین عبدالعزیز الرنتیسی و فرمانده نظامی صلاح شحاده همگی در دهه ۲۰۰۰ میلادی با حملات هوایی دقیق در داخل نوار غزه به شهادت رسیدند. احمد الجعبری که هدایت پاکسازی غزه از اشغالگران صهیونیست توسط حماس در سال ۲۰۰۷ را برعهده داشت، در سال ۲۰۱۲ با حمله هواپیماهای بدون‌سرنشین در شهر غزه به شهادت رسید. باید در نظر داشت جنبش‌های آزادی‌بخش فلسطین از ابتدای تاسیس تا به الان، با مساله حذف و ترور رهبران توسط ارتش اشغالگر صهیونیستی مواجه بوده‌اند. همین مواجهه باعث شده که در تشکیل شاکله سیاسی این گروه‌ها به‌ویژه حماس، این گروه به ساختار بیشتر از افراد تکیه کند تا بتواند بعد از شهادت هر یک از فرماندهان به سرعت خود را ترمیم کند. ساختار ترکیبی و پراکنده این گروه از بدو تاسیس تاکنون و داشتن دفاتر مختلف در کشورهایی چون قطر، ایران و ترکیه فرآیند جایگزینی و ترمیم را سهل‌تر کرده و سرعت می‌بخشد.

اگرچه شهادت اسماعیل هنیه آسیبی قابل توجه برای تشکیلات حماس است اما حماس با شهادت اسماعیل هنیه نابود نخواهد شد. تجربه و بررسی‌های تاریخی این تشکیلات به ما ثابت می‌کند حماس همیشه توانسته است بازسازی و بقا پیدا کند. رهبری جمعی این گروه در داخل و خارج از فلسطین پراکنده است و ساختاری دارد که به‌گونه‌ای طراحی شده تا تبعات ترور هر رهبر هرچند مهم را به حداقل برساند. بدین ترتیب در پی شهادت هر رهبر، رهبران جوان‌تر جایگزین می‌شوند، سازماندهی مجدد انجام می‌شود و پایگاه حمایتی گروه گسترش می‌یابد. این الگوی ترور و تجدید، بارها تکرار شده است. حذف رهبران فردی به‌طور موقت جنبش را تضعیف می‌کند اما موقعیت و محبوبیت آن را تقویت می‌کند. پس از شهادت هنیه، نماز باشکوهی بر پیکر او در تهران اقامه شد و این نماز به صورت غیابی در بسیاری از کشورهای اسلامی نیز انجام شد. همچنین علاوه بر این اقدامات، جهان عرصه تجمعاتی علیه این ترور بوده است. نمونه برجسته این اعتراضات، تحصن مسلمانان در برابر سفارت رژیم در اردن است.

مقاومت نامیرا

در میان تجمعات اعتراضی حامیان فلسطین در امان، پایتخت اردن به شهادت اسماعیل هنیه، شعاری آشنا به گوش می‌خورد که از روح و منطق مقاومت علیه اشغالگران سرچشمه می‌گیرد. تحصن‌کنندگان روبه‌روی سفارت رژیم صهیونیستی در جوی به‌شدت امنیتی و پلیسی فریاد می‌زدند: «حماس یک تفکر است و تفکر مردنی نیست.» این شعار، قوی‌ترین و منطقی‌ترین استدلال در توضیح ناگزیر بودن بقای حماس و مقاومت است. از مهم‌ترین عوامل بقا و گسترش ایده حماس در نوار غزه، اردوگاه‌های آوارگان و حتی کرانه باختری، آن است که این تشکیلات از پشتوانه قوی مردمی برخوردار بوده و سازمان اجتماعی مستحکمی در داخل و خارج از نوار غزه دارد. از مدارس، کلاس‌های قرآن و جلسات زنانه کوچک در داخل نوار غزه و حتی در اردوگاه‌های آوارگان در لبنان گرفته تا دانشگاه اسلامی در نوار غزه، نشان می‌دهند تشکیلات حماس برنامه منسجمی برای جذب و تربیت نیرو دارد. عمده نظرسنجی‌ها ازجمله نظرسنجی موسسه مسیحی مطالعات فلسطین که دفتر مرکزی آن در کرانه باختری مستقر است نشان می‌دهد حماس که در یک فرآیند دموکراتیک توسط مردم غزه انتخاب شده پس از عملیات طوفان الاقصی نیز همچنان توسط اکثریت مردم غزه پشتیبانی و حمایت می‌شود. با نگاهی گذرا به تاریخ تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی علیه مقاومت مردم فلسطین، به بی‌اثر بودن ترور رهبران در نابودی مقاومت پی خواهیم برد. رژیم صهیونیستی، علیه سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و فتح به ترور و مقابله دست زد اما هیچ‌کدام را نتوانست با مقابله رودررو وادار به تسلیم کند. پس از آنکه صهیونیست‌ها توانستند با استحاله هر دو را بدون پایان دادن به استعمار و اشغال فلسطین به‌طور عمده خنثی کنند، حماس و جهاد اسلامی فلسطین که در غرب به‌عنوان گروه‌های تروریستی شناخته می‌شوند، به وجود آمدند. معادله همچنان یکسان است: اشغال نظامی مقاومت ایجاد می‌کند.

مشی رهبری هنیه

هنگامی که هنیه در سال ۲۰۰۶ رئیس دولت منتخب فلسطین شد، او از خانه محقر خود در اردوگاه پناهندگان الشاطی خارج نشد تا به محل اقامت رسمی نقل مکان کند، بلکه تصمیم گرفت میان مردم، پناهندگان، فقرا و جریان اصلی باقی بماند. این نکته‌ای کلیدی برای درک شخصیت و حرفه سیاسی او از سال‌های اولیه فعالیتش در دانشگاه اسلامی غزه در دهه ۱۹۸۰ است. هنیه سیاستمداری بود که دائما به وحدت میان جریان‌های سیاسی در فلسطین می‌اندیشید و در این راستا تلاش می‌کرد. او در دهه ۹۰ تصمیم گرفت در انتخابات شورای قانون‌گذاری فلسطین شرکت کند. هنیه به همراه چند عضو دیگر حماس، از مخالفان توافقنامه اسلو در مجلس بودند. هنیه در طول سال‌های مسئولیتش در مجلس و سپس به‌عنوان نخست‌وزیر می‌کوشید فلسطین بر مبنای اصول حقوقی از توافق اسلو خارج شود که این اقدام حقوقی او با مخالفت محمود عباس و سپس حذف او از جایگاه نخست‌وزیری مواجه شد.

هنیه درنهایت برای پیگیری نظرات خود از سازمان آزادی‌بخش فلسطین انصراف داد. او بیانیه‌ای منتشر کرد که بینش سیاسی یک رهبر کاریزماتیک در حال رشد را ارائه می‌داد: «حماس در موقعیتی خواهد بود که اصلاحات قابل توجه و بسیار مورد نیاز را در نهادهای داخلی معرفی کند و می‌تواند با گسترش فساد مبارزه کند... شرکت در انتخابات پاسخی به تقاضای تعداد قابل توجهی از مردم ما خواهد بود که به دنبال جایگزینی صادق (برای تشکیلات فتح) هستند.» این ایده‌ها به‌طور قابل توجهی در برنامه فهرست تغییر و اصلاح که هنیه رهبری آن را برعهده داشت و در انتخابات ۲۰۰۶ پیروز شد، بالغ گشت. ظهور هنیه در حماس و محبوبیت او در میان مردم فلسطین بسیار با رویکرد میانه‌رو اما مقتدرش مرتبط بود. او به زبان مردم عادی سخن می‌گفت و خطیب و بسیج‌کننده ماهری بود. همین ویژگی‌ها و همچنین ساده‌زیستی او بود که ساختار تشکیلات حماس را به این نتیجه رساند که وی را در سال ۲۰۱۷ به‌عنوان رهبر دفتر سیاسی و به‌عنوان چهره دموکراتیک حماس انتخاب کند.

نظرسنجی‌ها قبل و بعد از ۷ اکتبر نشان دادند اگر انتخابات برگزار می‌شد، او رئیس جمهور فعلی دولت فلسطینی، محمود عباس را شکست می‌داد. هنیه حتی توسط بسیاری از مخالفان مقاومت فلسطین سیاستمداری قابل احترام تلقی می‌شد. او به یک چهره دیپلماتیک تاثیرگذار برای حماس تبدیل شد. تشکیلات حماس پس از این انتخاب او را به خارج از نوار غزه منتقل کرد و به علت کنترل مرز رفح توسط رژیم صهیونیستی او پس از آن هرگز نتوانست به داخل نوار غزه برگردد و تا پایان عمر تن به تبعیدی اجباری داد. ترک غزه و اقامت او در خارج، عمدتا در قطر و ترکیه، تصمیمی بود که حماس فکر می‌کرد منافع بیشتری نسبت به ضررهای آن دارد. درحالی‌که انتقاداتی به این تصمیم وجود داشت، این خروج به هنیه این امکان را داد تا برای رایزنی‌ها و دفاع از حقوق مشروع مردم غزه به کشورهای حامی فلسطین به‌ویژه ایران سفر کند. او توانست شبکه گسترده‌ای از روابط با رهبران کشورهای منطقه و فراتر از آن ایجاد کند. رهبران عرب و مسلمان او را از مراکش تا مالزی مورد استقبال قرار دادند. به گفته مقامات حماس، اسماعیل هنیه پس از سفر به تهران و دیدار با رهبر انقلاب، در تدارک سفر به چین بود که این سفر می‌توانست برای احقاق حقوق مردم غزه آورده‌های بسیاری داشته باشد.

مقاومت و بقا

چه آینده‌ای برای حماس و مردم فلسطین پس از هنیه وجود دارد؟ برای حماس شهادت هنیه یک فقدان بزرگ است، در زمانی که این جنبش برای بقا در نوار غزه می‌جنگد. با این حال همین‌طور که پیش‌تر اشاره شد حماس به زمان نیاز خواهد داشت تا رهبر کاریزماتیک دیگری با قدرت هنیه تولید کند. اما درنهایت، همان‌طور که پس از کشته شدن یاسین و سایر رهبران ارشد انجام داد دقیقا همین کار را خواهد کرد. در احتمال اندک اینکه این ترور و نسل‌کشی مستمر در غزه بتواند حماس را به‌عنوان یک ساختار نابود کند یک کابوس منطقه‌ای پدیدار خواهد شد. با فرض گرفتن احتمال ضعیف نابودی حماس، کابوس رژیم صهیونیستی دوچندان خواهد شد؛ چراکه با تشکیل گروه‌های پارتیزانی متعددی مواجه خواهد شد که بیشتر از حماس اعتقاد به مبارزه دارند.

فرآیند دموکراتیک برای جایگزینی

حماس دارای مجموعه‌ای از نهادهای رهبری است که وظایف سیاسی، نظامی و اجتماعی مختلفی را انجام می‌دهند. سیاست کلی توسط یک نهاد مشورتی جامع که اغلب به نام دفتر سیاسی شناخته می‌شود تعیین می‌شود. دفتر سیاسی‌ای که در تبعید و خارج از نوار غزه قرار دارد کمیته‌های محلی و مسائل مردمی را در غزه و کرانه باختری مدیریت می‌کنند. جنبش حماس سه بازوی هم‌عرض با وظایف و تشکیلات متفاوت دارد. شاخه نظامی معروف به گردان‌های القسام، دفتر تبلیغاتی که مسئول امور اجتماعی و رسانه‌ای است و دفتر سیاسی که وظیفه امور دیپلماتیک را برعهده دارد. باید توجه داشت که بریگادهای القسام در نوار غزه عملکردی تقریبا مستقل از شاخه سیاسی حماس دارند. نموداری از ساختار حاکمیتی حماس نشان می‌دهد که چهار نفر از هشت رهبر اصلی حماس در سال ۲۰۲۴ به شهادت رسیده‌اند. با این حال به علت ساختار منسجم و آزموده این گروه، فرآیند ترمیم ساختار و جایگزینی به سرعت رخ می‌دهد. انتخاب رهبر جنبش و رئیس دفتر سیاسی توسط شورای رهبری حماس متشکل از چهار عضو صورت می‌گیرد. چهار عضو فعلی شورای رهبری عبارتند از: خالد مشعل مسئول امور دیاسپورا و مهاجران، یحیی سنوار مسئول امور غزه، صالح العاروری مسئول امور کرانه که در دی‌ماه سال ۱۴۰۲ در بیروت به شهادت رسید و سلامه کتاوی مسئول امور زندانیان و اسرا. این شورا مسئولیت انتخاب رئیس دفتر سیاسی حماس و نظارت بر عملکرد او را برعهده دارد. پس از شهادت اسماعیل هنیه حماس در یک جلسه اضطراری باید جانشین او را معرفی کند. تا روز شنبه حماس درباره جانشینی هنیه اظهارنظری نکرده، با این حال گمانه‌زنی‌هایی از سوی تحلیلگران وجود دارد.

۱. یحیی سنوار: او همچنان رهبر ارشد حماس در غزه است. او به‌عنوان یکی از طراحان حمله ۷ اکتبر، همراه با ضیف و عیسی شناخته می‌شود و گزارش‌ها حاکی است که در صدر فهرست اهداف رژیم صهیونیستی در جنگ قرار دارد. سنوار قبلا سرپرستی شاخه نظامی حماس را برعهده داشت و به دلیل برنامه‌ریزی برای قتل دو سرباز اسرائیلی در سال ۱۹۸۸، ۲۲ سال را در زندان اسرائیل گذراند. در سال ۲۰۱۱ در برنامه تبادل اسرا مبادله شد.

۲. عصام الدالیس از سال ۲۰۲۱ نخست‌وزیر دوفاکتوی غزه بود و قبلا سمت مشاور هنیه را برعهده داشت.

۳. خالد مشعل یکی دیگر از چهره‌های ارشد حماس به‌عنوان یکی از مدعیان اصلی برای جایگزینی هنیه گزارش شده است. مشعل از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ ریاست شاخه سیاسی گروه را در تبعید برعهده داشت، زمانی که آن را به هنیه واگذار کرد.

۴. خلیل الحیه که مذاکرات میانجی‌گری شده حماس با رژیم صهیونیستی را در قطر رهبری کرده نیز به‌عنوان یک جایگزین احتمالی گزارش شده است. رهبران حماس پس از اختلاف با میزبان قبلی خود، سوریه، دفتر خود را در قطر تاسیس کردند. برخی از چهره‌های ارشد حماس براساس گزارش‌ها از دفاتر این گروه در ترکیه فعالیت می‌کنند.

میراث هنیه

مردم فلسطین یک عنصر وحدت‌بخش را از دست داده‌اند. هنیه نیروی قدرتمندی در تلاش برای تقویت آشتی داخلی با فتح و ایجاد رهبری متحد فلسطینی بود. او این آشتی داخلی را زیر سایه حق مشروع مردم فلسطین برای پایان دادن به اشغالگری رژیم صهیونیستی می‌خواست. برخلاف برخی دیگر از رهبران حماس و فلسطین هنیه یک سیاستمدار فراگیر و میانه‌رو بود. سفر طولانی او با حماس از ابتدا تجربه و مهارت‌های او در توازن بهترین رویکردها را غنی کرد. برای رژیم صهیونیستی و جنگ نسل‌کشی آن در نوار غزه، تمام سناریوها اکنون پس از ترور هنیه و فرمانده حزب‌الله فواد شکر در هفته گذشته باز هستند. هنیه تصمیم‌گیرنده کلیدی در مذاکرات غیرمستقیم برای پایان دادن به جنگ در غزه و ترتیب آزادسازی زندانیان فلسطینی و صهیونیستی بود. با شهادت او اسرائیل مذاکرات برای آتش‌بس را عملا مسدود کرد. این واقعیت که او در تهران ترور شد نیز جعبه پاندورا را باز می‌کند؛ منطقه و جهان با اضطراب منتظر پاسخ ایران هستند. رژیم صهیونیستی از طریق سیاست ترور خود خاورمیانه را به سوی هرج‌ومرج غیرقابل تصور سوق می‌دهد.

درباره محمود عباس که در مراسم خاکسپاری هنیه شرکت نکرد اما برای شیمون پرز اشک ریخت

ابوصهیون

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

پس از تشییع باشکوه اسماعیل هنیه در تهران که به‌طور مستقیم از ۳۰ شبکه پخش زنده می‌شد، مراسم خاکسپاری کوچک این شهید در قطر، شاهد واقعه ناخوشایند عدم حضور محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی بود. در فرآیند ترور تا خاکسپاری، هردولت به فراخور جایگاهش واکنش‌هایی نشان داد؛ برخی صرفا به‌دلیل رابطه با ایران انجام عملیات در خاک این کشور را محکوم کرده و تعداد معدودی از دولت‌های اسلامی که ارتباطاتی با حماس داشتند، شهادت اسماعیل هنیه را تسلیت گفتند. با این وجود مشخص بود که گروه‌های فلسطینی به‌ویژه سران تشکیلات خودگردان، نباید واکنشی غیرمعمول نشان دهند. همزمان با مراسم خاکسپاری معمول در قطر، دوربین‌ها جمعیت اندک حاضر را زیر و رو کردند تا محمود عباس را بیابند. رئیس تشکیلات خودگردان که شخصیتی پا در رکاب دارد، در سال ۲۰۱۶ پس از خبر مرگ شیمون پرز، نهمین رئیس جمهور رژیم صهیونیستی در مراسم خاکسپاری او شرکت کرد و چند قطره اشکی نیز ریخت. محمود عباس که عاشق مراسم و عکس یادگاری است اما برای مراسم خاکسپاری اسماعیل هنیه، به اعزام نماینده‌ای از جانب خود به قطر اکتفا کرد. سال‌هاست چنین رفتارهایی از سوی محمود عباس و طبقه فاسد نزدیک به او، خون به دل فلسطینی‌ها کرده است. آنها در نبرد فراگیر خود با اشغالگران باید مزدوران فلسطینی تبار صهیونیست‌ها را هم تحمل کنند.

خیانت با جنگ ۲۰۰۷

نیروهای محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی همین الان و در دهمین ماه از جنگ طوفان الاقصی که ۴۰ هزار شهید روی دست فلسطینی‌ها گذاشته است، درحال مبارزه و سرکوب مقاومت در کرانه باختری هستند. خیانت او و همپالگی‌هایش علیه ملت فلسطین و امت اسلامی سقفی ندارد. عباس در این مسیر و فراتر از اقدامات اطلاعاتی-امنیتی علیه مقاومت، حتی جنگ هم به راه انداخته است. در سال ۲۰۰۷، نیروهای امنیتی وابسته به محمود عباس در شهر غزه تلاش کردند علیه حماس که در انتخابات پیروز شده بود، جنگی بزرگ به راه انداخته و این گروه را در خانه‌اش خفه کنند. این درگیری کوتاه‌مدت بود و با غلبه شاخه نظامی حماس به سرعت پایان یافت، اما مزدوری عباس ۲۰۰ شهید در پی داشت.

خیانت ملی

دستگاه‌های امنیتی تشکیلات خودگردان طی سال‌های استقرارشان در کرانه باختری با رژیم صهیونیستی همکاری و هماهنگی‌های اطلاعاتی داشته‌اند. این تشکیلات بلافاصله پس از ریاست محمود عباس در پی شناسایی هسته‌های گروه‌های مقاومت برآمد. دستگاه‌های امنیتی محمود عباس علاوه بر سرکوب اعتراضات و گردهمایی‌های مردمی، خود به‌طور مستقل دست به ترور و دستگیری مبارزان می‌زند. یکی از این نمونه‌ها «عدنان الحصری» یکی از اعضای حماس است که سال‌ها قبل توسط تشکیلات خودگردان در طولکرم بازداشت شد. بکر الحصری پسر او در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود آنچه موجب بازداشت شدن پدرش در زندان‌های تشکیلات خودگردان شد، هماهنگی اطلاعاتی است که میان رژیم و تشکیلات به‌منظور ممانعت از فعالیت‌های آزادی‌خواهانه فلسطینی‌ها صورت گرفت. دستگیری رهبران حماس توسط تشکیلات خودگردان از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است. دستگیری «ابراهیم ابوسالم» نماینده حماس در مجلس قانونگذاری فلسطین در شهرک «بیر نبالا» نیز یکی دیگر از این اقدام‌هاست. طبق گزارش‌های منتشر شده پیش از دستگیری ابوسالم، ساعت یک بامداد به‌وقت فلسطین اشغالی، اعضای تشکیلات خودگردان به منزل وی هجوم آورده و پس از بازرسی اجباری منزلش، او را دستگیر کردند. دستگیری او واکنش‌های منفی متعددی را در رسانه‌ها به همراه داشت. فلسطینیان ساکن کرانه یا فلسطینی‌هایی که قرابت جغرافیایی با اعضای تشکیلات خودگردان دارند، توسط خود تشکیلات و نیروهای تحت امر محمود عباس کنترل شده و اطلاعات آنها در اختیار صهیونیست‌ها قرار می‌گیرد. تشکیلات، اطلاعات را در اختیار رژیم قرار داده و رژیم آنها را دستگیر کرده یا به شهادت می‌رساند. تشکیلات خودگردان کرانه باختری از این مبادله و هماهنگی اطلاعاتی منتفع می‌شود؛ چراکه با هماهنگی اطلاعاتی که با رژیم ایجاد کرده است، مخالفان خود را مهار کرده و احتمال احیای نفوذش در غزه را تقویت می‌کند. درباره همکاری تشکیلات خودگردان با رژیم می‌توان به مقاله «جکی خوجی» سردبیر رادیو نظامی اسرائیل در روزنامه «معاریو» اشاره کرد. او در این گزارش اعلام می‌کند صهیونیست‌ها از طریق اطلاعاتی که توسط تشکیلات خودگردان در اختیارشان گذاشته می‌شود، «عملیات‌های خود را انجام داده و از به خطر افتادن جان سربازان اسرائیلی جلوگیری می‌کنند.» خوجی با تاکید بر اینکه این تبادلات توسط محمود عباس و با نظارت او صورت می‌گیرد، او را به عنوان «بزرگ‌ترین شریک فلسطینی اسرائیل» معرفی کرده است. او می‌گوید با وجود عدم رضایت گروه‌های مقاومت فلسطینی با این ارتباط، از آنجایی که هم صهیونیست‌ها و هم تشکیلات خودگردان به‌ویژه محمود عباس از این ارتباط منتفع می‌شوند، «ادامه و تقویت این همکاری» لازم و ضروری است.

اخطاری جدی

پس از آنکه مقامات اسرائیلی از همکاری با تشکیلات خودگردان پرده برداری کردند، رهبران مقاومت واکنش و مواضع سختگیرانه‌ای اتخاذ کرده و خواهان قطع هر چه سریع‌تر این ارتباط شدند. کادر رهبری حماس در واکنش به هماهنگی‌ها و مبادلات تشکیلات خودگردان با رژیم صهیونیستی از جانب نیروهای محمود عباس، این کار را «خیانت ملی» خوانده و به او هشداری جدی مبنی بر قطع ارتباطات خود با رژیم داده بود. نارضایتی تنها از جانب حماس نبوده و دیگر گروه‌ها همچون فتح و جهاد اسلامی نیز این اقدام تشکیلات را خیانتی از جانب فلسطینی‌ها دانسته و همکاری‌های دوجانبه تشکیلات و رژیم را محکوم کرده‌اند. جالب آنکه فتح گروهی است که محمود عباس در آن عضویت دارد و بخش‌هایی از این گروه نیز علیه وی برخاسته‌اند.

سرگردان

سابقه خیانتکارانه و خون‌بار محمود عباس علیه مقامت نشان می‌دهد حضور نیافتن محمود عباس در مراسم خاکسپاری شهید هنیه در قطر، مهر تاییدی بر تمایلی است که تشکیلات خودگردان نسبت به رژیم صهیونیستی دارد. این تشکیلات بارها به منازل رهبران حماس هجوم برده و آنها را تهدید یا بازداشت کرده است. به گفته اسرای آزاده زندان‌های تل‌آویو، بسیاری از بازداشت‌شدگان رژیم توسط تشکیلات خودگردان دستگیر یا تسلیم شده‌اند. زندان‌های کرانه باختری مملو از اسرایی فلسطینی است که توسط فلسطینیان دیگر که در تشکیلات خودگردان فعالیت دارند شناسایی و دستگیر شده‌اند.